





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی اویس ماندران

# پایان نامه دوره کارشناسی ارشد (M.A) در رشته الهیات و معارف گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

بررسی فقهی سن مسئولیت کیفری

استاد راهنما:

دکتر محمود شربتیان

نام دانشجو:

سید داود محمدی

بهمن ۹۷

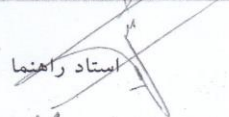
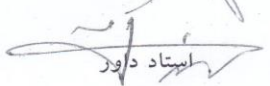
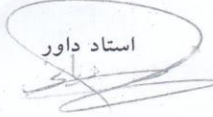


وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی  
غیر دولتی ادیب مازندران

تأییدیه دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد  
گروه: فقه و مبانی حقوق اسلامی

با یاری از خداوند متعال جلسه دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای سید داود محمدی دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی با عنوان بررسی فقهی سن مسئولیت کیفری در تاریخ ۹۷/۱۱/۲۵ با حضور هیأت داوران برگزار شد و با نمره ۱۷۱۵ و درجهی **خوب** به تصویب رسید.

نام و نام خانوادگی سمت

 استاد راهنما	جناب آقای دکتر محمود شربتیان
 استاد داور	جناب آقای دکتر عباسعلی بهاری اردشیری
 استاد داور	جناب آقای دکتر محمود دیانی

ارائه مقاله توسط دانشجو  بلی  خیر

نمره حاصل از ارزشیابی مقاله/مقالات دانشجو برابر ضوابط ..... محاسبه و نمره نهایی دفاع از پایان‌نامه (مجموع نمره دفاع و مقاله) با درجه ..... و با عدد ..... تعیین گردید.

موسسه آموزش عالی غیردولتی ادیب مازندران  
واحد تحصیلات تکمیلی



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه آموزش عالی غیر دولتی ادیب مازندران

«بسمه تعالی»

«تعهد نامه اصالت رساله یا پایان نامه»

## اینجناب سید داودی محمدی

دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق در تاریخ ۲۵ / ۱۱ / ۹۷ از پایان نامه خود که تحت عنوان بررسی فقهی سن مسئولیت کیفری با حضور هیأت داوری برگزار شد و کسب نمره ۱۷/۵ و با درجه خوب اخذ نموده ام بدین وسیله متعهد می شوم:

- این پایان نامه / حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجناب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه ، کتاب ، مقاله و .... ) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوط ذکر و درج کرده ام .
- این پایان نامه / قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی ( هم سطح ، پایین تر یا بالاتر ) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است .
- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل ، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب ، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشند از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم .
- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود .عواقب ناشی از آن را می پذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجناب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت .

نام و نام خانوادگی

تاریخ و امضاء

# سپاسگزاری

با سپاس از سه وجود مقدس:

آمان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم...

موبایشان سپید شد تا ما رو سفید شویم...

و عاشقانه سوختند تا گرما بخش وجود ما و روشنگر راهمان باشند...

پدران مان      مادران مان      استادان مان

از استاد کرامت‌آفرین جناب آقای دکتر محمود شهربیان که زحمت راهنمایی این

پایان نامه را بعهده داشتند کمال تشکر را دارم

تقدیم به:

روح آسمانی پدرم و مادر عزیزم که دعایش همراهم بود

و همسر عزیزم که در کنارم یارم بود.

## فهرست مطالب

۱ ..... چکیده

۲ ..... مقدمه

### کلیات تحقیق

۲ ..... الف- بیان مساله

۳ ..... ب- سؤالات تحقیق

۳ ..... پ- فرضیه های تحقیق

۴ ..... ت- اهداف تحقیق

۴ ..... ج- سوابق و پیشینه تحقیق

۷ ..... چ- اهمیت و ضرورت تحقیق

۷ ..... ح- روش تحقیق

### فصل اول: کلیات تحقیق

۹-۱-۱-۱ ..... مفهوم مسئولیت و انواع آن

۹-۱-۱-۱-۱ ..... مفهوم مسئولیت

۱۰-۱-۱-۲ ..... مفهوم مسئولیت مدنی

۱۴-۱-۱-۳ ..... مفهوم مسئولیت کیفری

۱۵-۱-۱-۴ ..... تفاوت های مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری

۱۶-۱-۱-۵ ..... مسئولیت اخلاقی

۱۹-۱-۲ ..... مفهوم بلوغ

۲۲-۱-۳ ..... ارکان مسئولیت کیفری در فقه اسلامی

### فصل دوم: سن مسئولیت کیفری از منظر شرع اسلام و فقه شیعه و اهل سنت

۲۶-۱-۲ ..... سن مسئولیت کیفری در اسلام

۲۶-۱-۱-۲ ..... سن مسئولیت کیفری در قرآن

۲۷	۲-۱-۲- سن مسئولیت کیفری در کلام معصومین.....
۲۹	۲-۲- سن مسئولیت کیفری از منظر فقهای اهل سنت.....
۲۹	۳-۲- مبانی اختلاف نظر فقهی در تعیین فقهی سن مسئولیت کیفری.....
	<b>فصل سوم: تاثیر سن در مسئولیت کیفری</b>
۳۹	۱-۳- رویکردهای فقهی و حقوقی در خصوص وجود یا فقدان مسئولیت کیفری در اطفال و نوجوان
۳۹	۱-۱-۳- فقدان مسئولیت کیفری.....
۴۳	۲-۱-۳- وجود مسئولیت کیفری.....
۴۸	۲-۳- بررسی قوانین و سیر تحولات تاریخی مقررات حقوقی در خصوص سن مسئولیت کیفری.....
۶۲	۳-۳- تاثیر سن در مسئولیت کیفری از نظر فقه و حقوقی در ایران و سایر کشورها.....
۶۲	۱-۳-۳- تاثیر سن در مسئولیت کیفری در ایران.....
۶۶	۲-۳-۳- تاثیر سن در مسئولیت کیفری در سایر کشورها.....
۶۹	۴-۳- ارکان مکمل سن برای تحقق مسئولیت کیفری.....
۷۰	۱-۴-۳- عقل و درک.....
۷۱	۲-۴-۳- بلوغ.....
۷۴	نتیجه.....
۷۵	پیشنهادها.....
۷۷	منابع و ماخذ.....



## چکیده

احراز مسئولیت کیفری در افراد منوط به ایجاد برخی از شرایط بیان شده در قانون و شرع مانند بلوغ، قوای عاقله، اختیار، درک و رسیدن به سن خاصی است که البته این موارد ارتباط تنگاتنگی نیز با یکدیگر دارند. در این میان سن مسئولیت کیفری از چند منظر قابل توجه و بررسی است، از یک سو باید دید که آیا برای مسئولیت کیفری لزوماً باید از ملاک سن خاصی استفاده کرد یا میتوان از معیارهای دیگری نیز بهره جست و از سوی دیگر نیز باید بررسی شود که معیار رسیدن به سن مسئولیت کیفری شامل چه مواردی است و اصولاً کدامین سن، به عنوان سن مسئولیت کیفری به رسمیت شناخته شده است.

قطعاً در تمام این جنبه‌ها نظریات متفاوتی ارائه شده است و علی‌الخصوص در سلسله مباحث فقهی فقهای شیعه و اهل سنت چالش‌های جدی در تعیین موارد فوق وجود دارد، لذا در این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی تهیه و تنظیم شده است به بیان نظریات فقهی معطوف به سن مسئولیت کیفری پرداخته شده است و یافته‌های پژوهش حاکی از این است که نظر مشهور فقهای شیعه، ملاک مسئولیت کیفری را بلوغ قرار داده و ملاک رسیدن به سن بلوغ را ۱۵ سال تمام قمری برای پسران و ۹ سال تمام قمری برای دختران قرار داده‌اند.

**کلید واژه‌ها:** مسئولیت کیفری، بلوغ، سن مسئولیت، فقه شیعه، فقه اهل سنت.

## مقدمه

مقدمه شامل عناوین بیان مسأله، سؤال های تحقیق، فرضیه های تحقیق، اهداف تحقیق، سوابق و پیشینه تحقیق، اهمیت و ضرورت تحقیق و روش تحقیق می باشد.

## الف- بیان مساله

اصولاً سن مسئولیت کیفری یا همان سنی که بتوان بر مبنا و ملاک آن، فرد را واجد مسئولیت کیفری تام دانست و او را در صورت ارتکاب جرم، مجازات نمود، یکی از مسائل مهم حقوق جزا و فقه جزایی و از جمله مسائل زیر بنایی بسیاری از احکام جزایی می باشد که مورد نقد و اعتراض صاحب نظران حقوق قرار گرفته و مورد اختلاف بین فقهای بزرگ می باشد.

با توجه به حاکمیت مقررات و قواعد شرعی بر قوانین موضوعه و پیروی قانونگذار از نظرات مشهور فقهی، سن بلوغ شرعی، مبنای تعیین سن مسئولیت کیفری برای اطفال تعیین شده است که این سن در قوانین پس از انقلاب ۹ سال تمام قمری برای دختران و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران است. با توجه به این پیش فرض، تعیین سن خاص برای بلوغ یا رشد به عنوان مبنای آغاز مسئولیت کیفری، می تواند قابل دفاع نباشد. یکی از موارد قابل بررسی تفاوت یا برابری سن بلوغ با سن مسئولیت کیفری است و اینکه آیا باید سن مسئولیت کیفری با بلوغ اجتماعی یکسان مدنظر قرار گیرد، که در صورت عدم تفکیک این دو باعث می شود که اطفال به یکباره از عدم مسئولیت مطلق به عرصه مسئولیت کیفری کامل گام بردارند. خوشبختانه قانون گذار در سال ۱۳۹۲ اقدام به ایجاد تغییرات مهمی در این زمینه نمود. نخست در جرایم تعزیری، بین حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری تفکیک قائل شد و سپس آزادی عمل قضات برای عدم اجرای حد و قصاص در مورد مرتکبان زیر سن ۱۸ سال را افزایش داد.

اما باز هم به نظر می رسد بهتر است قانونگذار مطابق با موازین شرعی و در نظر گرفتن شرایط اطفال، سنی را به عنوان حداقل سن عدم مسئولیت کیفری و سنی را نیز برای اعمال مسئولیت نسبی بر اطفال مرتکب جرم، متناسب با جرم ارتكابی، قوه و توانایی مجرم و قدرت تشخیص و تمییز او و آنچه را که صلاح و مصلحت اقتضا می کند تعیین نماید. همچنین، باید برای تعیین سن مسئولیت تام کیفری غیر از رسیدن به بلوغ جنسی، رسیدن به رشد فکری (جزایی) و یا احراز آن را در نظر بگیرد، زیرا برای مسئول دانستن شخص و اعمال مجازات تام بر او لازم است که شخص، ماهیت عمل ارتكابی و نتیجه آن را درک کند.

با توجه به مطالب فوق از جمله مسایلی که قرار است در این پژوهش مفصلاً از دریچه فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار بگیرد این است که نظر فقه و حقوق در خصوص سن مسئولیت کیفری چیست و اصولاً چرا ملاک سن برای تعیین مسئولیت کیفری انتخاب شده است و چه اختلافاتی در خصوص سنین مطرح شده مانند ۹، ۱۵، ۱۸ و ... برای مسئولیت کیفری وجود دارد و آیا صرف رسیدن فرد به بلوغ که سن خاصی در فقه و حقوق برای آن تعیین شده است، مستلزم سن مسئولیت کیفری افراد نیز خواهد بود.

همچنین باید دید که سن مسئولیت کیفری در قانون مجازات بر چه مبنایی استوار است و ملاک لازم و مناسب جهت تعیین آستانه (شروع) تحمل مجازات و مسئولیت کیفری برای افراد چیست و مبنای اختلاف نظر فقها و یا حقوق دانان در خصوص سن مسئولیت کیفری و استدلال هریک در این زمینه به چه ترتیبی خواهد بود.

با توجه به اینکه سن مسئولیت کیفری و اصولاً مجازات و یا در نظر گرفتن اقدامات تامینی قبل و پس از سن مسئولیت کیفری، امری کاربردی است و بسیاری از مشغله محاکم کیفری به این دست پرونده‌ها اختصاص دارد و رویه قضایی با این امور سروکار دارد، یافتن پاسخ برای سوالات مذکور و یافتن رویه واحد می‌تواند راهگشا واقع شود.

## ب- سوالات تحقیق

سوال اصلی)

- ملاک فقهی در رسیدن به مرحله‌ای که بتوان افراد را از نظر کیفری مسئول دانست چیست؟

سوالات فرعی)

۱. آیا صرف رسیدن به سن بلوغ به معنای داشتن مسئولیت کیفری است؟

۲. آیا ملاک قانون مجازات اسلامی با ملاک‌های فقهی در خصوص مسئولیت کیفری منطبق است؟

۳. چه اختلاف نظرهایی میان حقوق دانان و فقها در خصوص سن مسئولیت کیفری وجود دارد؟

## پ- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی)

- از منظر فقهی سن خاصی برای مسئول دانستن فرد از نظر کیفری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی)

۱. از نظر فقهی رسیدن به بلوغ با سن خاصی برای دختران و پسران به معنای رسیدن به مرحله تحمل مسئولیت کیفری است.

۲. با تحولاتی که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صورت گرفته است در این زمینه تغییراتی صورت گرفته است.

۳. در خصوص سن مسئولیت کیفری چند نظریه وجود دارد: الف- برخی رسیدن فرد به سن خاص را ملاک مسئولیت کیفری نمی دانند و تنها بلوغ جسمی را ملاک قرار داده اند. ب- برخی نیز سنین مختلفی مانند ۹، ۱۵، ۱۸ را برای این امر قبول دارند. ج- برخی نیز از ملاک هایی نظیر رشد اجتماعی، عرف و ... سخن گفته‌اند.

### ت- اهداف تحقیق

اهداف این پژوهش عبارتند از:

- بررسی نظریه‌های حقوقی و فتاوی فقهی شیعه در خصوص سن مسئولیت کیفری.

- بررسی ملاک رسیدن به بلوغ برای حمل مسئولیت کیفری بر اطفال.

- تبیین مفاهیم مرتبط با مسئولیت کیفری و آثار ناشی از آن.

- تاملی در نظریات مختلف ارائه شده در خصوص سن مسئولیت کیفری در فقه و حقوق نظیر ۹ سال، ۱۵ سال، ۱۸ سال و ...

- بررسی تفاوت‌های سن مسئولیت کیفری دختران و پسران

### ج- سوابق و پیشینه تحقیق

۱- اصغری، عبدالرضا، سن مسئولیت کیفری در حقوق اسلام، نشریه الهیات و حقوق، شماره ۲، ۱۳۸۰.

بلوغ (سن مسؤولیت)، امری تکوینی است، نه تشریعی و تعبدی، لذا در فرایند رشد طبیعی و در رابطه با عوامل اقلیمی، وراثت و مانند آن ظهور پیدا می‌کند. در قرآن کریم به سن خاصی در تحقق بلوغ اشاره نشده است و فقط به معیارهایی همانند «بلوغ حلم»، «بلوغ نکاح» و «بلوغ اشد» اشاره شده است. در سنت، گرچه به سنهای

مختلف اشاره شده است، ولی نه به عنوان یک معیار، بلکه به عنوان طریق به تحقق معیار بلوغ که «احتلام در پسران و حیض در دختران» باشد. به بیان دیگر، در سنت، معیار بلوغ، احتلام و حیض است و سن یا سنهای معین، طریقت بر آن معیار می‌باشد. در مسؤولیت کیفری، علاوه بر بلوغ، رشد کیفری نیز شرط است.

۲-قوام، میرعظیم، تحلیلی بر سن مسؤولیت کیفری تام در قانون مجازات اسلامی، نشریه دانش انتظامی، شماره ۲۴، ۱۳۸۴.

تعیین سن مسؤولیت کیفری، یعنی سنی که پس از آن بتوان با فرد به عنوان یک انسان بزرگسال و کسی که از قوه درک و تمیز لازم برخوردار است و در نتیجه او دارای مسؤولیت کیفری تام دانسته و در صورت ارتکاب جرم، مجازات کرد، از مسائل مهم حقوق جزا می‌باشد. این سن که از آن به عنوان بلوغ یاد می‌شود، در کشورهای گوناگون، متفاوت است. در قوانین کیفری ما، این سن برای دختران ۹ سال تمام قمری و برای پسران ۱۵ سال تمام قمری می‌باشد. این مقاله، با نقد و بررسی ضابطه فوق و تبیین نواقص و مشکلات آن و مقایسه با سن مسؤولیت کیفری در کشورهای دیگر و نیز مقایسه با سن اهلیت در معادلات برخی اعمال حقوقی دیگر در حقوق مدنی ایران و همچنین بیان دیدگاه و فتوای فقها و مراجع تقلید گذشته و معاصر، به دنبال ارائه راهکار و پیشنهادی است که ضمن منطقی و قابل دفاع بودن از نظر حقوق کیفری، منطبق با موازین شرعی نیز باشد.

۳-سعیدی، کبری، آسیب شناختی سن مسؤولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۹۱.

در این پایان‌نامه آمده است که در جوامع ابتدایی، طفل مانند فرد بزرگسال دارای مسؤولیت کیفری بوده و مجازات می‌شد، این دیدگاه به تدریج تغییر یافته و اطفال مبری از مسؤولیت کیفری شدند. حقوق کیفری ایران نیز در این راستا با تحولات تدریجی روبرو بوده است. در نظام حقوقی کنونی ایران، طفل دارای مسؤولیت کیفری نمی‌باشد و برای طفل بزهکار مجازات سپردن به کانون اصلاح و تربیت یا والدین پیش‌بینی شده است، با این حال گاه از این قاعده عدول شده و برای طفل مجازات تعزیری پیش‌بینی شده است. لازم به ذکر است که از منظر این نظام حقوقی، طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی (۹ سال و ۱۵ سال تمام قمری برای دختر و پسر)، نرسیده باشد اما از جهات علمی و تجربی اطفال ایرانی نه تنها در این سنین به بلوغ عقلی نمی‌رسند بلکه در غالب موارد به بلوغ جنسی نیز نخواهند رسید، لذا در اجرای اصول مسلم حقوق جزا که مقرر میدارد مسؤولیت کیفری باید بر شخصی بار گردد که دارای سوء نیت باشد و از آنجاییکه سوء نیت فرع بر وجود اراده کامل است، در مورد طفل نمی‌توان چنین اراده کاملی را تصور کرد. در حقوق انگلستان نیز ما شاهد این تغییر و تحولات بوده و در نظام

حقوقی کنونی آن، طفل تا ده سال از مسئولیت کیفری مبری می‌باشد و طفل ده سال تا هیجده سال همانند افراد بزرگسال دارای مسئولیت کیفری می‌باشد، با این تفاوت که بر خلاف حقوق ایران، در حقوق انگلیس برای این اطفال مجازات متفاوتی نسبت به بزرگسالان در نظر گرفته شده است.

۴- ساریخانی، عادل و عطارزاده، سعید، معیار سن کیفری دختران در فقه و حقوق موضوعه، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲، ۱۳۹۲.

به دلیل لزوم حمایت از صغیر تا رسیدن به بلوغ و نگاه امتنانی شارع مقدس به اعمال ناصواب وی، توجه اصلی در فقه جزا وضعیت حقوقی وی به عنوان مدعی‌علیه یا متهم است. فقه پویای اسلام با پذیرش اصل عدم مسئولیت کیفری صغار، درعین حال که از تأدیب ایشان غافل نمانده، با موضوعیت قائل شدن برای اماره سنی بلوغ، حسب نظر مشهور که مورد متابعت قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گرفته، سبب شده است که این اصل مترقی حقوق کیفری اسلامی، در عمل نمود مناسبی نداشته باشد. لذا فقهای معاصر سعی در مطالعه مجدد مبانی نظر مشهور و تعدیل آن در قالب افزایش سن بلوغ دختران و سن مسئولیت کیفری ایشان و یا حذف موضوعیت از معیار سن برای اثبات بلوغ داشته‌اند. به این ترتیب امید است همان‌گونه که سن نکاح، سن بلوغ سیاسی و سن رشد بدون توجه به نظر مشهور در قوانین مقرر شده است، سن مسئولیت کیفری هم با اصلاح قانون به گونه‌ای علمی و با توجه به رویکردهای نوین فقهی و دستاوردهای جدید علوم جنایی، تجدیدنظر شود.

۵- صبوری پور، مهدی و علوی صدر، فاطمه، سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نشریه پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱۱، ۱۳۹۴.

از جمله موضوعات بحث انگیز قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، پایین بودن حداقل سن مسئولیت کیفری اطفال بود. احتساب سن بلوغ جنسی به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری باعث شده بود که به ویژه دختران در سنی مسئولیت کیفری پیدا کنند که از توانایی‌های ذهنی لازم برای انتساب مسئولیت بی‌بهره‌اند. از سوی دیگر، عدم تفکیک حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری، باعث می‌شد که اطفال به یکباره از عدم مسئولیت مطلق به عرصه مسئولیت کیفری کامل گام بگذارند. قانونگذار در سال ۱۳۹۲ اقدام به تغییرات مهمی در این حوزه نمود. نخست، در جرایم تعزیری، بین حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری تفکیک قائل شد و سپس آزادی عمل قضات برای عدم اجرای حد و قصاص در مورد مرتکبان زیر سن ۱۸ سال را افزایش داد. در این نوشتار، ضمن تبیین قواعد مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در قانون مذکور، به نقد آنها با رویکردی تطبیقی پرداخته شده است.

## چ- اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به اینکه رسیدن به سن خاصی در فقه شیعه و حقوق موضوعه ملاکی برای مسئولیت کیفری تلقی می‌شود، اهمیت دارد که آن سن و ملاک مسئولیت کیفری مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد، چرا که پیش از آن ممکن است صرفاً با اقدامات تامینی با خاطی برخورد شود ولی پس از آن، قطعاً کیفر و مجازات در انتظار فرد خواهد بود، لذا آن ملاک که همان سن مسئولیت کیفری است از اهمیت خاصی برخوردار است که با توجه به نقاط مبهم و غیرشفاف و بعضاً اختلافی در حقوق و فقه نیازمند بررسی و پژوهش دارد تا در خصوص موارد مختلف و آثار و احکام سن مسئولیت کیفری، ابهامات موجود برطرف شود.

## ح- روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر نظری بوده و بیشتر با اسلوب توصیفی و تحلیلی پیش می‌رود. بدین ترتیب که به مباحث تئوریک و نظری اختصاص خواهد داشت و به این دلیل که زیر مجموعه پژوهش‌های کاربردی به مفهوم خاص قرار نمی‌گیرد از پرسش‌نامه و تحلیل داده‌ها و ... پرهیز شده است.

به عبارت دیگر نوع روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع نظری، کیفی و توسعه‌ای خواهد بود. یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش حاضر که به شیوه جمع‌آوری اطلاعات دسته اول کتابخانه‌ای و انواع منابع اطلاعاتی و توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده حاصل می‌شود، با شیوه غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن کسب خواهد شد. لذا روش تحقیق پیش‌رو از نوع کیفی و مطالعه‌ی موردی و توسعه‌ای است و متمرکز بر مطالعه موارد است؛ نه جامعه‌ها و نمونه‌ها.

روش گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای و از طریق فیش‌برداری و ثبت داده‌ها در فایل‌های رایانه‌ای (ثبت داده‌ها به صورت الکترونیکی) با مراجعه به منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای مانند کتب، مقالات، مجلات علمی، روزنامه‌ها، طرح‌های پژوهشی، بانک‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی و... انجام خواهد شد.

## فصل اول:

### کلیات تحقیق



## ۱-۱- مفهوم مسئولیت و انواع آن

در این قسمت از پژوهش پیش رو قصد داریم تا با مسئولیت و مفهوم آن در حقوق داخلی آشنا شده و سپس به تبیین انواع مسئولیت بپردازیم.

### ۱-۱-۱- مفهوم مسئولیت

واژه مسئولیت در زبان عربی مصدر جعلی از مسئول است و در آیات و احادیث اسلامی مانند آیه ۳۴ سوره الاسراء مقرر شده است که «... ان العهد کان مسئولاً» یعنی چرا که روز رستاخیز در مورد عهد و پیمان از شما پرسیده می‌شود.

به بیان دیگر باید گفت از نظر لغوی، مسئولیت از «سال یسال» به معنی موظف بودن به انجام دادن امری است (معین، ۱۳۸۱:۴۰۷۷).

بنابراین مسئولیت ناشی از نقض یک تعهد و تکلیف است و مسئولیت در این مفهوم فرع بر وجود تکالیف و تعهدات قبلی است (یزدانیان، ۱۳۸۴:۴۱).

در تعریف مسئولیت گفته شده است که مسئولیت، تعهد شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است می‌باشد. خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او شده باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶:۶۴۲) در همین معنی لفظ ضمان را به کار برده‌اند.

مسئولیت در لغت به معنای ضمانت، ضمان، تعهد و مواخذه آمده است. همچنین از مسئولیت در لغت تحت عنوان تکلیف، وظیفه، ماموریت، پاسخگویی نیز تعبیر شده است (دهخدا، ۱۳۸۵:۷۸۴).

مسئولیت وابسته به آن وضعیت ذهنی است که به عنوان شناخت موقعیت و دوراندیشی و پیش‌بینی آینده تعریف می‌شود و دارای درجاتی است که از عمد تا بی‌پروایی، بی‌ملاحظگی، غفلت و اهمال را شامل می‌شود. شناخت موقعیت امری است در وجود خود فرد و از آنجا که دادگاه‌ها قادر به خواندن اندیشه نیستند روش ویژه خود را برای اسناد و نسبت دادن شناخت موقعیت و در نتیجه مسئولیت پدید آورده‌اند.

در متون فقهی نیز مسوولیت با واژه ضمان به کار گرفته شده است و کسی را که مسوولیت بر ذمه و عهده او قرار می‌گیرد، مسئول یا ضامن می‌نامند. مسوولیت، حسب اینکه مبنای مسوولیت را در چه حوزه و محدوده‌ای تعریف کنیم به اقسامی تقسیم می‌شود، مثلاً در حوزه قانونگذاری مسوولیت به دو بخش عمده حقوقی یا مدنی و کیفری یا جزائی تقسیم می‌شود.

در حوزه تاثیر و نقش اراده در باب مسوولیت می‌توانیم به دو قسم مسوولیت قراردادی و مسوولیت غیر قراردادی یا قهری اشاره نمائیم. همینطور است مسوولیت اخلاقی، اداری، انضباطی، تضامنی، سیاسی، اجتماعی و غیره.

همچنین مسوولیت می‌تواند دارای دو جنبه اخلاقی و حرفه‌ای باشد، جنبه اخلاقی آن به اخلاق و آداب عمومی که واجب است شخص آنها را مراعات نماید، تعلق دارد و جنبه حرفه‌ای آن متعلق به حرفه مختلف و قواعد و اصولی است که شخص ملزم به انجام آن می‌باشد.

در خصوص مسوولیت‌های قانونی باید گفت آنگونه مسوولیت‌هایی هستند که در مقابل اصل عدم اشتغال ذمه و اصل برائت توسط قوانین موضوعه، معین و به رسمیت شناخته شده یا می‌شود، مانند مسوولیت جزایی، مسوولیت قراردادی، مسوولیت مدنی و سایر مسوولیت‌هایی که در رشته حقوق، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند و همگی از مسوولیت‌های قانونی هستند. مسوولیت‌های قانونی، ریشه در مسوولیت‌های اخلاقی دارند و پایه و مبنای مسوولیت‌های قانونی معمولاً بر مبنای مصالح اجتماعی و مسوولیت اخلاقی بنا می‌شود (داراب پور، ۱۳۸۷: ۲۹).

## ۱-۱-۲- مفهوم مسوولیت مدنی

مسوولیت مدنی در معنای عام وظیفه حقوقی است که یک شخص در برابر دیگری دارد، این مسوولیت می‌تواند مواردی از قبیل: جبران خسارت، انفاق به خویشاوندان، تسلیم مورد معامله و غیره باشد (دهقان، ۱۳۹۲: ۲).

مسوولیت مدنی در معنای خاص عبارت است از تعهد و الزامی که شخص به جبران زیان وارد شده به دیگری دارد، اعم از این که زیان مذکور در اثر عمل شخص مسوول یا عمل اشخاص وابسته به او و یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد. در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری باشد، در برابر او مسوولیت مدنی دارد یا ضامن است (رضاپور، ۱۳۹۰: ۴).

به بیان دیگر، الزامی که برای هر شخص وجود دارد، رعایت یکسری از قوانین و مقررات است و بر این اساس اگر هرکس به دیگری ضرری وارد کند بایستی آن را جبران نماید که در فقه اسلامی از آن به قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام تعبیر شده است. در مسئولیت مدنی موضوع بدین شیوه بیان شده است که هرکس در اثر و نتیجه بی احتیاطی، سهل انگاری و به طور کلی در اثر تقصیر، خسارتی به دیگری وارد کند مسئول جبران خسارت وارده می‌باشد.

به عبارت دیگر مسئولیت مدنی عبارت است از ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد کرده است، مسئولیت مدنی زمانی به وجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه بزند و در اثر آن زبانی به او وارد آورد، فرق نمی‌کند عملی که موجب زیان شده است جرم باشد یا شبه جرم، در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است، گفته می‌شود که این فرد مسئولیت مدنی دارد و ضامن است. این قاعده منطقی و عادلانه از دیرباز وجود داشته که هر کس به دیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند، مگر در موارد اضرار به غیر که به حکم قانون باشد یا ضرری که به شخص وارد آمده است ناروا و نامتعارف جلوه نکند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۳).

در حقوق کنونی نیز مبنای مسئولیت مدنی همین قاعده است، منتها چون زیان‌هایی که از کار اشخاص به دیگران می‌رسد گاه لازمه زندگی اجتماعی است، همه بحث‌ها برای این است که معلوم شود در کجا زیان وارده ناروا و خلاف عرف است و باید جبران شود.

در نهایت باید گفت این مسئولیت در مقابل مسئولیت کیفری قرار دارد و مسئولیتی است که در مقام خسارتی که شخص یا کسی که تحت مراقبت یا اداره شخص است یا اشیا تحت حراست وی به دیگری وارد میکند و همچنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد. این مسئولیت بر دو قسم است، مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد که گاهی آنرا مسئولیت تقصیری می‌نامند. قدر مشترک هر دو نوع مسئولیت مدنی، نقض تعهد و الزام است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۶۴۵).

اصولاً مسؤولیت مدنی به معنای تعهد به جبران خسارت به دو قسم مسؤولیت قراردادی و مسؤولیت قهری تقسیم می‌شود. تفاوت این دو در وجود رابطه قراردادی میان دو طرف قبل از ایراد خسارت است. این که تفاوت یاد شده منشاء فرق اساسی در مبنا و آثار دو نوع مسؤولیت می‌شود مورد اختلاف بین حقوقدانان است. نظریه جا افتاده، منشاء مسؤولیت قراردادی را اراده صریح یا ضمنی دو طرف عقد و منشاء مسؤولیت قهری را حکم قانون‌گذار می‌داند. همین تفاوت باعث می‌شود دامنه مسؤولیت در مسؤولیت قراردادی تابع اراده دو طرف قرار گیرد و آنان

بتوانند گستره تعهد به جبران خسارت را بر فرض تخلف از محدوده قانون، فراتر یا محدودتر سازند. نظریه جدیدتر، این تفاوت را انکار و سایر تفاوت‌ها را امور فرعی قلمداد می‌کند (وحدتی شبیری، ۱۳۸۸: ۳۱).

در حقوق کشورهای عربی، بیشتر از واژه التزام استفاده شده است، اگرچه واژه مسئولیت نیز بدون کاربرد نیست. در فقه امامیه اصطلاح ضمان، تنها به معنی بر عهده گرفتن دین دیگری نیست، بلکه به معنای عام، شامل رد عین و بازپرداخت خسارت و اشتغال ذمه به کار رفته‌است و تفاوت معنی ضمان با توجه به ماهیت مضمون مختلف می‌شود، به عنوان مثال ضمان ید، ضمان اتلاف، ضمان غصب، ضمان عقدی و ضمان قراردادی هر یک معنای خاصی دارند.

در برخی موارد مسئولیت مدنی ناشی از قانون است، لذا در برخی حالات، قانونگذار به طور مستقیم برای برخی، ایجاد مسئولیت می‌کند، در حالی که سابقه هیچگونه خسارتی وجود ندارد، مثل مسئولیت انفاق برای زوج که بدان مسئولیت قانونی گفته می‌شود.

گاهی نیز مسئولیت ناشی از قرارداد است، این مسئولیت بر اثر تخلف از مفاد قرارداد، برعهده اشخاص قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، هرگاه میان شخص زیان دیده و عامل زیان، قراردادی وجود داشته باشد و خسارتی بر اثر نقض قرارداد، به وجود آید، این مسئولیت شکل می‌گیرد. این نوع ضمان را امروزه مسئولیت قراردادی می‌نامند. لذا مسئولیت قراردادی، عبارت است از مسئولیت کسی که به موجب عقدی از عقود معین یا نامعین، تعهدی را پذیرفته و به علت عدم انجام آن تعهد یا تاخیر در انجام تعهد یا اجرای بد آن، خسارتی به متعهدله وارد کند که در این صورت مکلف است خسارت وارده را جبران کند (امامی، ۱۳۸۶: ۳).

برخی از حقوقدانان نیز مسئولیت مدنی را تعهد به جبران خسارات می‌دانند، لازم به ذکر است که مسئولیت مدنی ممکن است قراردادی و یا خارج از قرارداد و قهری باشد. در مسئولیت مدنی قراردادی منشاء تعهد و مسئولیت وجود قرارداد می‌باشد و شخص در اثر نقض تعهد ناشی از قرارداد مسئول واقع می‌شود (امیری قائم مقامی، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

در این باره می‌توان گفت در نتیجه اجرا نکردن تعهدی که از عقد ناشی شده است به وجود می‌آید، کسی که به عهد خود وفا نمی‌کند و بدین وسیله باعث اضرار هم پیمانانش می‌شود، باید از عهده خسارتی که به بار آورده است برآید. ضمانی که متخلف در این باره پیدا می‌کند، به لحاظ ریشه تعهد اصلی، مسئولیت قراردادی نامیده می‌شود.

لذا به بیان دیگر، باید گفت که مسئولیت قراردادی عبارت است از تعهدی که در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی برای اشخاص ایجاد می‌شود. تعهدی که نقض شده و ناشی از قرارداد است تعهد اصلی نامیده می‌شود و